



شنبه
۲۶ تیر ۱۳۹۵
۱۱ شوال ۱۴۳۷
شماره ۱۶۸
هفته نامه فرهنگی، خبری
مدرسه دانتیجویپنزان و عترت
دانشگاه تهران
www.ekashef.ir | info@ekashef.ir
www.QuranEtratSchool.ir
سال ششم



امام حسین علیه السلام فرمودند:

کسی که برای جلب رضایت و خوشنودی مردم،
موجب خشم و غضب خداوند شود،
خداوند او را به مردم وامی گذارد.

بهار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۲۶

پرونده

برنامه ریزی به سبک یک مجاهد

قسمت اول

سبک ریزی

در بهمن ماه ۱۳۹۴ اقدام به برنامه ریزی مدون نمودیم و گزارشات آن نیز آماده شد.

هرچند روند پیگیری و انجام کارها خوب بوده است و ارتقای برنامه ریزی بنا بر ساعت و خروجی کاملاً مشهود است، اما به نظر می رسد این مدل برنامه ریزی اشکالات اساسی دارد.

مشکل اصلی این نحو برنامه ریزی این است که اگر به طور مثال در هفته ۳۲ ساعت برای کار قرآنی کنار گذاشته می شود، این به این معناست که ۱۳۶ ساعت دیگر در هفته برای کارهای غیر قرآنی مصرف شده است. و این امر از یک فرد مسلمان شیعه کاملاً غیر قابل پذیرش است و در محضر خداوند نمی توان پاسخگو بود.

در پس هر فعالیت علمی بر اساس قرآن اعم از تولیدات، بروزات و سیر آموزشی ساعت های بسیاری هزینه می شود تا آن کار به ثمر بنشیند. ساعتی که به تفکر و تعقل در آن موضوع، مشورت گرفتن و ... صرف می شود و ممکن است در برنامه ریزی لحاظ نگردد.

به طور مثال؛ در تدوین و نگارش یک مقاله علمی، زمانی جهت ثبت موضوع و نگارش آن، زمانی جهت مطالعه و سیر آموزشی، زمانی برای تفکر و جستجو در مورد موضوع، زمانی در راستای مشورت گیری هزینه می کنیم که این موارد ثبت نمی شود.

در برنامه ریزی به سبک قرآنی باید فرد این زمان ها را محاسبه کند.

علاوه بر آن اوقات بسیاری وجود دارد که فرد یا در

حال تفکر در راستای اهداف قرآنی خود است و یا طبق موازین قرآنی عمل می کند. نادیده گرفتن این زمان ها باعث دلسردی شده و منجر به این می شود که فرد خود را از قرآن و عترت جدا ببیند. به طور مثال؛ در تربیت فرزند لحاظ کردن موازین اسلامی و آموخته های متناسب با دوره رشد به معنی دغدغه عمل کردن به قرآن است و این بدان معناست که فرد ساعات خود را در راستای قرآن گذرانده است.

هرچند ممکن است این نوع برنامه ریزی منجر به یک خوش بینی کاذب شود اما باید به یاد داشته باشیم ثبت موارد و فعالیت ها در این راستا و برای جلوگیری از افراط و تفریط بسیار مهم است. بنابراین باید برنامه ای دقیق تدوین کرد که تمامی اوقات زندگی در آن لحاظ گردد.

البته حفظ تعادل و انجام امور به روش محسنانه دارای اهمیت بسیاری است. چرا که در بسیاری از اوقات چند کار موازی می توان انجام داد. اینکه بدانیم در کدام شرایط و کدام بستر کدام کار اولویت دارد از اهم زندگی قرآنی است. بنابراین در انجام امور باید به این امر دقت کنیم که بهترین کار را در لحظه به بهترین نحو انجام دهیم و از حالت اعتدال خارج نشویم.

نتیجه اینکه اگر زمانی در محاسبات گنجانده نشد، معلوم است خارج از برنامه قرآنی بوده و در راستای برنامه ریزی قرآنی عمل نشده است.

چنین فردی در برابر هر لحظه ای که در غیر برنامه ریزی قرآنی عمل کرده است باید خود را

در محضر خداوند پاسخگو بداند. بنابراین یک فرد مجاهد و تلاش گر باید اوقات خود را به نحو مجاهد گونه تنظیم نماید. شاید بتوان توجه به اوقات زیر و تهیه جدولی متناسب با آن را به عنوان سبک زندگی قرآنی مورد توجه قرار داد.

- **وقت خواب و استراحت:** میزان خواب و استراحت در ابتدای امر اصلاً مهم نیست. جسم است و محدودیت های آن. اما برای خواب قرآنی یا الهی باید برنامه ریزی کرد.

• قرائت قرآن قبل از خواب

• تدارک برای خواب و نماز شب

• وضو قبل از خواب

• مطالعه و یا انجام یک مطلب علمی + ایجاد سوال + تلاش برای رفع نیاز ایجاد شده ولو در خواب (خواب انقطاع کامل نیست و علی رغم آن محدودیت های عالم ماده را هم ندارد)

• تسبیحات حضرت زهرا + ۱۰۰ استغفار شبانه + چهار قل + آیت الکرسی + ...

- **وقت نماز و عبادت:** نفس عمل عبادت یعنی عبودیت الله احد واحد صمد لم یلد و لم یولد. حال در هر جا و در هر مکان و به هر نحو. این یک اعتقاد و باور است که باید برای خودمان روشن و ثابت شود.

و اما وقت نماز به طور خاص یا کارهای عبادی مانند اذکار و ... شرایط و ویژگی های خاص خود را می طلبد. اما ذکر این نکته مهم است که در برخی موارد ما در پی کمیت هستیم به جای کیفیت. یعنی تعداد رکعات نماز، تعداد تسبیحات

• احوالپرسی از بیماران نیز عبادت به شمار می‌رود.

• اینکه بدانیم دوستان و اقوام از نظر مالی، معنوی یا مواردی دیگر مشکلی دارند یا خیر، مستلزم برقراری ارتباط نزدیک و رفت و آمد است و ارتباطات مجازی و تلفنی راهگشا نخواهد بود.

• گره باز کردن از کار یک مسلمان عبادت است و اگر این فرد از دوستان باشد و یا اقوام ثواب آن بیشتر است.

• توجه به ایتم که از اقوام ما هستند امر بسیار مهمی است که در دین اسلام به آن سفارش اکید شده است.

در صورتی این روابط حالت الهی دارد که موارد فوق در آن لحاظ گردد و از جنبه‌های مختلف خالی از گناه باشد. برای یک برنامه‌ریزی دقیق مبتنی بر قرآن باید در ارتباطات اجتماعی خود نیز سبک زندگی الهی را مد نظر قرار دهیم و با رویکرد برنامه‌ریزانه به آن نگاه کنیم.

و چه ارتباط دلنشینی است این ارتباط الهی و قرآنی متناسب با غایت و اهداف در نظر گرفته شده.

- **رسیدگی به همسر:** بر زن مسلمان است جهاد در راه خدا، و همانا جهاد زن شوهرداری اوست. اما شوهرداری در زمانه و شرایط مختلف حالت‌های مختلف به خود می‌گیرد. در زمان جنگ، مردان خسته از مبارزه بعد از چند ماه دوری از خانه و خانواده باز می‌گشتند و زنان به دلیل شرایط و جو حاکم بر جامعه ساده زیستی توجه به خانه و زندگی و همسر را در اولویت خود قرار می‌دادند. اما امروز مصداق جنگ و مبارزه تغییر کرده است. مردان، امروز در عرصه جنگ نرم وارد شده‌اند و بعضاً برای کسب روزی حلال مجاهدت می‌کنند. درک و پذیرش و یادآوری این نکته برای زنان امری ضروری است. شوهرداری زن امروز تنها به تدارک دیدن غذا و تمیزی خانه نیست. مرد مجاهد خسته است، از میدان رزم بازگشته؛ خشونت دیده، بی‌مهری، تبعیض، کارشکنی و بسیاری از این دست. باید غیر از جسم، روحش آرام گیرد یک تجدید قوا نماید. تا بتواند دوباره برای مبارزه فردا مهیا گردد. یک مبارز خسته و آشفته حال که افکار و روحش آرام نشده و اعتقاداتش رو به سست شدن است به یقین بازنده میدان خواهد بود؛ و

ولی برای جسم ضرر دارند. مانند انواع نوشابه‌ها و یا مواد کارخانه‌ای مدت دار. خوب است از مصرف آنها پرهیز کرده و به نیت داشتن جسمی سالم برای خدمتگزاری در سپاه حق، موارد جایگزین را جستجو و تهیه کرد.

- **وقت اوقات فراغت:** هر فردی ساعاتی از روز را به عنوان اوقات فراغت خود می‌تواند در نظر بگیرد. اوقاتی که از کار روتین روزانه فارغ می‌آید. اما در این نوع برنامه‌ریزی چیزی به اسم اوقات فراغت نداریم. زیرا در سبک زندگی قرآنی با برنامه‌ریزی قرآنی فراغت از قرآن معنا ندارد.

بنابراین هرگونه فعالیت علمی، تفریحی و ... جزو برنامه زندگی است و کاملاً هدفمند. ولو رفتن به سینما و تئاتر و یا گردش و مسافرت.

در نتیجه اصل ضروری در این قسمت توجه به رویکرد و علت کار و نتایج حاصله است که کار و آن عمل را از حالت لهو و لغو بودن می‌تواند خارج سازد.

در این نوع برنامه‌ریزی چیزی به اسم لذت بردن برای دل و خواسته دل و هوای نفس نداریم. ممکن است از کاری لذت ببریم، که یقیناً در این مدل از همه کارها لذت خواهیم برد، ولی این لذت بردن هوس آلود نبوده و ما را یک گام به اهداف و غایت خود نزدیک تر می‌سازد.

- **ارتباطات اجتماعی و صله ارحام و ...:** توجه به صله ارحام و دید و بازدیدهای ارحامی و علمی در دین اسلام توصیه شده است. اما مدل و آداب این رفت و آمدها باید مورد توجه و شناسایی قرار گیرد. توجه به موارد زیر خالی از اهمیت نیست:

- توجه به زمان بازدید و رفت و آمد
- توجه به مکان آن، خود فرد مورد نظر، علت برقراری این ارتباط، محتوای مبادله شده، نوع پوشش و ... که در هر محفلی مورد مورد نظر و مناسب باید بررسی گردد.
- توجه به این نکته که؛ برای ایجاد ارتباط با چه کسی، به چه علتی، کجا، چه موقع، با چه پوششی، با چه افرادی می‌روم؟ که به چه نتایجی دست یابم؟
- در روایات دیدار ارحام سفارش شده و موجب طول عمر و افزایش رزق می‌گردد.
- دیدن چهره و صورت والدین و نگاه محبت آمیز به آنها عبادت است.

و صلوات‌ها، ادعیه بیشتر و ... اما در مسائل عبادی اصل بر توجه و تمرکز است. این نکته مهم نباید فراموش شود که یک رکعت نماز با توجه از تعداد رکعات سرسری که بی‌توجه خوانده شده بسیار مهم‌تر است. در مورد اذکار و ادعیه نیز همین گونه است. اصل بر تمرکز، توجه به عبارات، مقام دعا شونده و طلب و نیاز است. آنچه عنایت می‌شود بر اساس ظرفیت و طلب هر فرد است.

در نتیجه می‌توان نماز خواند و عبادت کرد، ولی در برنامه‌ریزی، این ساعات را در ساعات زندگی قرآنی قرار نداد. چرا که خالی از یاد خدا و سبک زندگی قرآنی بوده است.

بدین منظور توجه به نکات زیر لازم است:

- دقت در وضو و تمرکز بر کارکرد وضو
- توسل به اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام حسین علیه‌السلام
- در وقت نماز
- تفکر در باب نماز، پیش از اقامه آن
- با یک نیتی نماز را اقامه کردن
- نماز اول وقت
- دعای بعد از نماز
- تلاش برای اقامه نماز در مسجد
- رجوع به نکات طهارتی و معنوی در باب عبادات و نماز که در کتب عرفانی و طهارتی علما آمده است.

- **وقت غذا خوردن:** غذا خوردن امری است غیر قابل اجتناب. اما علت غذا خوردن، زمان و مکان غذا خوردن، خود محتوای غذایی را می‌توان در راستای زندگی قرآنی و الهی برنامه‌ریزی کرد.

در دین اسلام آداب بسیاری برای موارد فوق آمده است که یک متدبر قرآنی که برای خود برنامه زندگی دارد ملزم به رعایت آنها ست. رجوع به کتب مرتبط از الزامات این مدل برنامه‌ریزی است. برخی از موارد عبارتند از:

- شستن دست‌ها قبل و بعد از غذا
- شروع غذا با نام خداوند و تمام آن با شکر الهی
- دعای قبل از غذا و دعای اتمام غذا (حتی گذراندن بر دل یا به فارسی خواندن. مهم به یاد داشتن آن دعا است)
- توجه به حلال بودن غذا
- توجه به نوع غذا و محتویات آن (از رزق حلال باشد، مکروهات نباشد)
- برخی از خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها حرام نیستند

• توجه به لحن سخن و نوع کلمات
• رجوع به آیات نورانی سور نساء و نور می تواند راهگشا باشد و یک زندگی قرآنی را رقم زند. روایات نیز امور مختلفی را در باب زنان و امور زنانه یادآور شده اند.
(ادامه مطلب را در شماره آتی پیگیری نمایید...)

و توان ادامه کار
• توجه به روحیه و علاقه مندی های همسر جهت تجدید قوا
• توجه به حافظ بودن اسرار خانه و خانواده
• توجه به حریم خانه و حرمت گذاردن بر آن و رعایت حرام و حلال ها
• توجه به عدم ورود نامحرم به حریم خانه
• توجه به پوشش و آراستگی خود در خانه

صدمات این شکست، اول به همسر و سپس به فرزندان وارد می آید و شالوده خانواده را سست می کند. یک زن هوشمند و قرآنی به موارد زیر توجه نشان می دهد:
• توجه به محدودیت ها و امکانات همسر
• توجه به مشکلات جسمی همسر
• توجه به مشکلات و دغدغه های کاری همسر
• توجه به خورد و خوراک همسر برای داشتن قوت

تدبر در ساحت جامعه

رویای نیمه شب

• قدسیه پائینی

هر دو این ها هم فراهم شوند باز هم برای دیدن حضرت حجت (ع) در کار آن قدر عقب می روند که موضوعی دیگر جانشین موضوع اصلی می شود و حضرت حجت (ع) به جای متن تبدیل می شود به حاشیه اثر.

ادبیات ما بروز عینی هوایی است که روح ها در آن نفس می کشند. این شرح کوتاه شاید بتواند نشان بدهد که آن چه از فرهنگ انتظار در ذهن هاست از مجالس و مراسم ها و مؤسسات فاصله بسیاری دارد. با آن چه امام جامعه از فرهنگ انتظار، انتظار دارد. «اعتقاد به حضرت مهدی (ارواح نفاذ) یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسأله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد - یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن - نه، این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان (ع) آماده کنیم. سربازی امام زمان (ع)، کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد. عده ای این اعتقاد را وسیله ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان (ع) خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه ای نداریم؛ نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. شنیده اید، در گذشته کسانی که منتظر بودند، سلاح خود را همیشه همراه داشتند. این یک عمل نمادین است و بدین معناست که انسان از لحاظ علمی و فکری و عملی باید خود را بسازد و در میدانهای فعالیت و مبارزه، آماده به کار باشد.»

این یعنی منتظر بودن را باید زندگی کرد؛ مال او بودن، عبدش بودن، شیعه اش بودن، همه چیزت بودن را باید زندگی کرد. یعنی نه فقط ده دقیقه

و این ماجرا حجتی می شود برای منکران وجود ایشان و اثبات حقانیت شیعه در اعتقاداتش.

کسانی که داستان را خوانده اند یا خواهند خواند شاید خرده بگیرند که این قصه داستان نبود چون ماجرای شکنجه پدر و لحظات موت و شفایش کمتر از ده صفحه پایانی است و باقی داستان ماجرای عاشقانه آن دو جوان است و تفصیل اهمیت و امکان وحدت شیعه و سنی.

اما جواب من که شرح امای پس از خواندن داستان بود، همین است. در ابتدای کتاب گفته شده است که ماجرای این کتاب واقعی است، ماجرای تشریف ابوراجح حمای به محضر امام زمان (ع) که در جلد دوم کتاب شریف عبقری الحسان صفحه ۱۹۲ آمده است.

چنین مقدمه ای انتظار خواننده را به این سمت می برد که قرار است کتاب درباره حضرت حجت (ع) باشد و موضوع انتظار؛ اما همان طور که گفتم این فقط برای ده صفحه پایانی است و باقی یک ماجرای عاشقانه است در بستر وحدت شیعه و سنی. گفتگوهایی که در طول داستان هم میان هاشم (جوان عاشق) با ابوراجح (پدر ریحانه) اتفاق می افتد در شرح و تفصیل این موضوع است که در جای خود بسیار ارزشمند و ستودنی است اما اگر موضوع حضرت حجت (ع) بود پس قصه را باید از جهت حضور ایشان تعریف کرد.

بسیاری از اهالی فرهنگ و هنر به این موضوع فکر نمی کنند و دغدغه شان نیست؛ جماعتی اندک از اصحاب فرهنگ و هنر هم که دغدغه اش را دارند و می خواهند کاری کنند یا جرأتش را ندارند به خاطر حساسیت به حق و خاص موضوع یا توانش را و اگر

کتابهایی که درباره حضرت حجت (ع) نوشته شده اند زیاد نیستند؛ اگر مطالب تکراریشان را کنار بگذاریم و کتابهای حدیثی را هم جدا کنیم؛ چیز زیادی باقی نمی ماند. ادبیات داستانی مان حتی از این هم تنگ تر و کم جان تر است؛ به شخصه غیر از «ملیکا» و «دوازدهم» آقای مؤذنی و «کمی دیرتر» آقای شجاعی چیز دیگری یاد نمی آید. در نمایشگاه کتاب امسال کتابی با تبلیغ گسترده رسانه ای آمد به نام «رویای نیمه شب» که قرار بود موضوع محوری اش حضرت حجت (ع) باشد. کتاب را در نشستی کمتر از دو ساعت خواندم. خوش خوان بودنش کمکی جدی برای جلو رفتن آسانش بود و شاید به همین دلیل است که با همین سرعت فیلم نامه اش نوشته شد و این روزها تیزر فیلم سینمایی اش هم پخش شده است. اتفاقی نادر در عرصه فرهنگ. گمانم همین برای تعریف از این کتاب که نوشته حجت الاسلام سالاری است، کفایت می کند.

اما...

مشکل من در امایی بود که بعد از خواندن کتاب داشتم. شخصیت پردازی های خوب، طرح و پیرنگ قوی و توصیف های روان و قصه خوب کتاب آن را تبدیل به اثری خواندنی و البته به یاد ماندنی در ادبیات دینی خواهد کرد؛ اما پس امام زمان (ع) کجای این داستان بود؟

باید قصه داستان را بگویم تا همراه من به این اما برسید. داستان درباره عشق پسری سنی مذهب به دختری شیعه است در زمان حکومت خلفای بنی عباس که با تمام توان به اختلاف بین دو مذهب دامن می زنند و البته شیعیان را تحت فشار و محرومیت های شدید قرار داده اند. توطئه چینی ها در میان این داستان عاشقانه پدر دختر را تا پای مرگ پیش می برد اما در شبی که همه منتظر مرگ او هستند با حضور حضرت حجت (ع) شفا پیدامی کند

هر روز صبح برای دعای عهد و یک ساعتی از صبح جمعه برای ندبه که باید منتظر بودن را در کتابی که در دست می گیریم، لباسی که می خریم، مهمانی و سفری که می رویم و آدم هایی که برای هم نشینی انتخاب می کنیم و... زندگی کنیم. یعنی ببینیم اش، بویش را و صدایش را بشنویم. برای همین چند روزی است که فکر می کنم چه طور می شود تمام زندگی را در یک فاصله از اذان ظهر تا اذان مغرب جمع کرد؟

چند سال پیش بود. در یک مکان محدود به وسعت هجده کیلومتر در یک زمان محدود از اذان ظهر تا مغرب، قطعا و یقینا او آن جا بود و ما بودیم. چشم می گشت بین چهره ها گوش دنبال هر صدایی می دوید. زمان به سرعت می گذشت به سرعت پیش رفتن در صفحات الحمد لله الذي ليس لقضائه دافع ولا لعطائه مانع. برای هیچ سوال منطقی و به حق هیچ فرصتی نبود. تمام سوالاتی که به ذهن هجوم می آوردند «با کدام چشم پاک با کدام عمل خالص با کدام قلب مطهر با کدام تقوا و و... جا مانده بودند پشت خواستنی که از ذره ذره وجود بیرون می زد: اشتیاق خواستش، خواستن دیدنش

از دفتر خاطرات یک مجاهد

خدا حافظ ای ماه خدا

السلام عليك يا شهر الله الاكبر و يا عيد اوليائه.....

خدا حافظ ای ماهی که قبل از آمدنش انتظارش را می کشیدیم و در وقت رفتنش محزون آنیم!

خدا حافظ ای ماهی که در آن چه بدی ها از ما دور شد و چه خوبی ها به برکت آن نصیبمان گشت!

خدا حافظ ای ماهی که شب قدرش بهتر از هزار ماه بود!

خدا حافظ ای ماهی که چه بسیار مردمان در آن از غل و زنجیر عذاب و آتش نجات یافتند!

خدا حافظ ای ماهی که تیره بختان قدرش را نشناختند و از فضیلت آن محروم شدند!

در واپسین ساعات ماه رمضان عده ای در غم و اندوه ای کاش هایی از جنس پشیمانی و محرومیت می سوزند! ای کاش هایی که جنس روزه خواری دارد! ای کاش هایی که از جنس منیت ها، هوس ها و تنبلی هاست! حب دنیا! افسوس هایی که از جنس قال رب ارجعون است! ﴿لعلی اعمل صالحا فیما

ترکت!

اما حیف از آن فرصتی که بود و آن ها قدرش را نشناختند و حال که زمان محاسبه و عیدی گرفتن است، دستشان خالی است! چهره هاشان درهم است! عید فطر برای برخی بدترین روز است!

یاد روز محشر می افتم، یاد روز محاسبه! روزی که در آن حال و روز افراد را از چهره هاشان می توان فهمید! اصحاب شمال! اصحاب یمین و سابقون! گفتم سابقون! صبر کن! افسوس های من چه می شود؟ من هم در غم فراق این ماه می سوزم و افسوس می خورم که چرا بیشتر از این ماه توشه برنگرفته ام! این افسوس ها چه حکمتی دارد؟! من..... قدر چه چیزهایی را ندانستم و حال در حسرت چه می سوزم؟! افسوس هایی از جنس وصال یار؟! افسوس هایی از جنس شوق و نیاز و تمنای اصحاب یمین؟! همین است!

عده ای در این ماه از سابقون بودند! پیشی گرفتند و گوی سبقت را ربودند! و تو در حسرت سابقون شدن می مانی شاید تا سال دیگر!

پیشخوان

گزارشی از اردوی کوهنوردی گروه منظومه رشد

اولین اردوی کوهنوردی گروه منظومه رشد، جمعه ۱۸ تیرماه در ارتفاعات کلکچال به قصد تپه نورالشهدا برگزار شد. در این اردو ۱۱ عضو از مدارس مختلف مجمع شرکت داشتند. میانگین زمان حرکت تا تپه نورالشهدا برای کسانی که بار اول به کوه آمدند: بین ۲ تا ۳ ساعت در مسیر رفت و ۱:۳۰ تا ۲ ساعت برای برگشت تخمین زده شد. حرکت از ۷ صبح آغاز و از ساعت ۹ تا ۱۱ در کنار شهدا جلسه ای پیرامون برنامه های گروه منظومه رشد و لزوم داشتن سیر علمی-فردی برای هر عضو منعقد گردید. در برنامه اول کوهنوردی آشنایی افراد با یکدیگر مورد هدف بود که جلب گردید. لازم به ذکر است که در صورت برگزاری اردوهای جمعی در آینده؛ از طریق سامانه پیامکی مدرسه قرآن اطلاع رسانی خواهد شد. همچنین برنامه های دیگر گروه منظومه رشد، در قالب کارگاه های تخصصی-آموزشی خواهد بود که اخبار آن متعاقبا به علاقمندان و متخصصین اعلام خواهد شد.